

نام :	باسمه تعالی	شماره صندلی:	کلاس:
نام خانوادگی :	وزارت آموزش و پرورش	تاریخ امتحان : ۱۴۰۲/۰۳/۱۷	
نام پدر :	اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان	مدت امتحان : ۳۰ دقیقه	
نام آموزگاه :	امتحان هماهنگ درس املای فارسی پایه نهم دوره اول متوسطه	صفحه : ۱ از ۱	



اگر خواهی به درجهٔ مورچه قناعت کنی، می باش و اگر نه، راهت داده اند تا در بستان معرفت حق تعالی، تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متحیر شوی.

مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا، همچون وزش نسیم دل انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و صفای درون را در ما زنده می سازد.

مرد بیمار با کلماتی مقطّع از دوست دانشمندش تمنا کرد که یکی از مسائل علمی را که زمانی با وی در میان گذاشته بود باز گوید. فقیه گفت: ای دوست گرامی، اکنون چه جای این پرسش است؟ بیمار با تعرض پاسخ داد: « ای مرد، کدام یک از این دو امر بهتر است: اینکه مسئله بدانم و بمیرم یا نادانسته و جاهل درگذرم؟

از گوشهٔ صومعه آواز درآمد که: ای مرد! خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سپرده است. ابلیس زهره ندارد که گرد او گردد. دزد را کی زهرهٔ آن بود که گرد چادر او گردد؟ تو خود را مرنجان ای طرّار! که اگر یک دوست خفته است، دوست دیگر بیدار است.

روباه گفت: بلی، تو برای من هنوز پسر بچهٔ کوچکی هستی، مانند هزار پسر بچهٔ دیگر و من محتاج تو نیستم؛ ولی تو اگر مرا اهلی کنی، هر دو به هم نیازمند خواهیم شد. من برای تو در دنیا یگانه دوست خواهم بود و تو برای من در عالم، همتا نخواهی داشت.



نام :	باسمه تعالی	شماره صندلی: []	کلاس: []
نام خانوادگی :	وزارت آموزش و پرورش	تاریخ امتحان : ۱۴۰۲/۰۳/۱۷	
نام پدر :	اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان	مدت امتحان : ۳۰ دقیقه	
نام آموزشگاه :	امتحان هماهنگ درس املای فارسی (۲۰ غلطی) پایه نهم دوره اول متوسطه	صفحه : ۱ از ۱	

« ویژه دانش آموزانی که قادر به نوشتن املای تقریری نیستند و از منشی استفاده می کنند.»

متن زیر دارای بیست (۲۰) غلط املایی می باشد ، زیر کلمات غلط خط کشیده و صحیح آن ها را در جدول پایین بنویسید.

اگر خواهی به درجه مورچه غناعت کنی، می باش و اگر نه، راحت داده اند تا در بستان معرفت حق تعالی، تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب ببینی که مدحوش و متهیر شوی.

مساحبت با یک دوست خوب و شکیبا، همچون وزش نصیم دل انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و سفای درون را در ما زنده می سازد.

مرد بیمار با کلماتی مغطع از دوست دانشمندش طمنا کرد که یکی از مصائل علمی را که زمانی با وی در میان گذاشته بود باز گوید. فغیه گفت: ای دوست گرامی، اکنون چه جای این پرسش است؟ بیمار با تعرز پاسخ داد: « ای مرد، کدام یک از این دو امر بهتر است: اینکه مسئله بدانم و بمیرم یا نادانسته و جاحل درگزرَم؟

از گوشه سومه آواز درآمد که: ای مرد! خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سپرده است. ابلیص زهره ندارد که گرد او گردد. دزد را کی زهره آن بود که گرد چادر او گردد؟ تو خود را مرنجان ای ترآرا! که اگر یک دوست خفته است، دوست دیگر بیدار است.

روباه گفت: بلی، تو برای من هنوز پسر بچه کوچکی هستی، مانند هزار پسر بچه دیگر و من مهتاج تو نیستم؛ ولی تو اگر مرا احلی کنی، هر دو به هم نیازمند خواهیم شد. من برای تو در دنیا یگانه دوست خواهم بود و تو برای من در عالم، حمئا نخواهی داشت.

۱-۱	۶-۶	۱۱-۱۱	۱۶-۱۶
۲-۲	۷-۷	۱۲-۱۲	۱۷-۱۷
۳-۳	۸-۸	۱۳-۱۳	۱۸-۱۸
۴-۴	۹-۹	۱۴-۱۴	۱۹-۱۹
۵-۵	۱۰-۱۰	۱۵-۱۵	۲۰-۲۰

موفق باشید	جمع بارم ۲۰
------------	-------------

نمره با عدد	نمره تجدید نظر	نمره با عدد	نمره با عدد
نمره با حروف	در صورت داشتن اعتراض :	نمره با حروف	نمره با حروف

نام و امضای دبیر :

نام و امضای دبیر: